نقد

مردان بدون زنان در بی‌حسی موضعی

ابراهیم عمران

درون و بـرون آدمی چه تفاوتی با هم دارد؟ آنچه از کلام و واژگان بر زبان جاری می‌شـود، چه توفیری با خلوت و ذات پنهان انسـان دارد؟ انسـان معاصر در پی چیسـت؟ گم‌شده‌اش کجاسـت؟ آیا اصولا گم‌شده‌ای هم دارد؟ یا قائل به این گزاره است؟ حسـین مهکام در آخرین ساخته‌اش «احمد به تنهایی» شـاید در پی این مفاهیم پیدا و ناپیدای شـهروند امروزی باشـد. هرچند به باورم کاراکتر احمد، تنها نیست. دور و بری که از ایشان مشاهده می‌کنیم، همگان به‌نوعی این تنهایی را لمس کرده‌اند. شاید عنوان فیلم کمی کنجکاوی ایجاد کند که احمد در پی چیسـت؟ در این تنهایی ناخواسته چه می‌جوید؟ با مراجعه به دوستانش درمی‌یابیم که آنان نیز دست‌کمی از او ندارند. همه او را آزاداندیشی می‌پندارند که نمی‌داند چه بر سرش آمده است. قائل به آزادی زن است؛ آن‌هم وقتی که نخواهد زندگـی کند؛ ولی در پی چرایی این نخواستن‌هاسـت. کسـی او را یاری نمی‌کند. پرسـش مشترک او از دوسـتانش این اسـت که اگر کتی (زنش) همسر آنها بود، چگونه خوشـبختش می‌کردند؟ این نگره یعنی احمد سـعی داشـت در زندگی زناشویی این خوشبختی را برای کتی به ارمغان آورد. بیمارانی دارد که آنها نیز این گم‌شده و تنهایی را یدک می‌کشند. عبد با بازی سروش صحت، در مواجهه با احمد از او گلـه دارد که چرا مخالف آشـنایی و ازدواجش با دختر مدنظرش بود. گویی احمد ختم کلام و فصل‌الخطاب آنان در چنین مواقعی بود؛ درحالی‌که خود دچار مشـکل در رابطه شـده اسـت. و اگر چنین گزاره‌ای را بپذیریم، شـاید مستقیم و غیرمستقیم زندگی‌هایی را دچار نقصان کرده است! آن سان که در دیدار با دوست استاد دانشگاهش (شاهرخ فروتنیان) هم رگه‌هایی از این دخالت غیرمستقیم در فرجام زندگی مشاهده شود. پلانی که احمد به دوستش می‌گوید مریم زن سابقش هم از بیماران او بوده است! روان‌شناسی که در روان‌کاوی دیگران شاید ره به خطا برده باشد! تنها جایی که از زن شاید به نیکی یاد می‌شود، در خانه پدری‌اش است. آن‌گاه که پدر از مادرش می‌گوید که سـرطان جانش را گرفت و با احسـاس از او حرف می‌زند. پدری که محمود کلاری نقشش را بازی می‌کند. او نیز در دنیایی دیگر سـیر می‌کند. صحبت با جهانـی دیگر و شـنیدن صداهای ماورایـی در دنیایی ناشـناخته. بیسـت‌واندی سـال چنین رویه‌ای در زندگی‌اش را پیش گرفته است. اصولا مردان این فیلم، بی‌زن هسـتند. خواسته و ناخواسـته! زنان در دنیای آنان جایی ندارند. آن بیمار روانی که علیرضا اسـتادی به‌درسـتی ایفاگر نقشش بوده اسـت، غایت چنین مردانی اسـت؛ مردانی که به هر دلیـل از کانون خانواده دور شده‌اند. اینکه چقدر مقصر بوده‌اند، در فیلم نمودی ندارد. کارگردان و نویسنده اثر، آگاهانه وارد این فضا نمی‌شـوند. در پی مقصر نشـان‌دادن نیسـتند. هیچ‌گاه هم مشـخص نمی‌شود کتی برای چه رفته است. حتی در خانه پدری که کتی آنجا را مأوای خود دانسـته، هم دلیل این رفتن معلوم نمی‌شـود! بعـد آن نیز احمد در مواجهه با همسایه محل زندگی‌اش (باران کوثری) دیالوگ‌هایی ردوبدل می‌کند؛ اما این بار این همسایه شاید مانیفست اصلی فیلم را نمایان می‌کند. در فضای بسته و گرفتارشـدن در آسانسـور گفت‌وگویی کوتاه شکل می‌گیرد. همسایه گویی که از رفتن کتی آگاه است یا او را از قبل می‌شناسد؛ از زبان کتی لب به سخن می‌گشاید. اینکه چرا همه مسـائل باید حل شـود؟ چرا تکلیف همه امور باید روشن شود؟ و اینکه آیا کتی می‌داند که احمد چقدر دوسـتش دارد؟ این دوست‌داشتن را حس می‌کند؟ عشق را تجربه زیستی می‌داند، نه صرفا یک ابژه استعاری! و فرجام سخن از زبان دکتر روان‌شـناس (سهیل مستجابیان) احمد بیان می‌شود که عشق خیلی چیپـه؛ خیلـی! یعنی عشـق و مهـر را پارتنر مقابلـت نبینـد. درک نکند. همه شخصیت‌های مرد این فیلم عاشـق بوده‌اند. زن‌های پنهان زندگی‌شان را دوست داشته‌اند؛ ولی نمی‌دانستند فرد مقابل‌شان، این دوست‌داشتن‌ها را درک نمی‌کرد. عینیت نداشـت برای این زنان. آن استاد دانشگاهی که خودکشی کرد، با بستن ۱۰ کیلو کتاب گالینگور به دسـتانش (اسـتعاره‌ای جانکاه) هم متوجه عشق آتشین مردش نشد. مردی که مدت‌ها در نیمکت محوطه دانشگاه به انتظار یک بار دیگر

دیدنـش بود! حتی آن رمالی که فال می‌گرفت هم فهمید درد زن‌ها چیسـت، در جامعه امروزی؛ لاغـری و بحران عاطفی! بابک کریمی (ویکتور فیلم) هم ضربه نهایی را وارد می‌کند با دعا نوشتن و رمالی برای زنان! احمد به‌واقع دیگر نمی‌داند چـه کند. روان‌شناسـی که در بحران زندگی‌اش تنهاسـت. آشـفتگی و میمیک چهره‌اش با همه آراسـتگی ظاهری‌اش دال بر این مدعاسـت. درمان را در تزریق می‌داند. تزریقی آرام‌بخش و شـاید نشاط‌آور برای دقایقی با نگاه به پرتره همسر! هرچند پیش‌تر هنوز باور به رویش مجدد دارد. آنجایی که تخم پرتقالی را می‌کارد. خاک و کودش می‌دهد به امید رهایی از این‌همه درد و رنج و چیستی زندگی!

خبر

انتشار کتاب خاطرات «آل پاچینو»

ایسنا: کتاب خاطرات «آل پاچینو»، بازیگر برنده اسکار، با عنوان «سانی بوی» در ماه اکتبر به بازار عرضه خواهد شـد. «گاردین» نوشت، کتاب خاطرات «آل پاچینو» در انتشـارات «پنگوئن رندوم هاوس» منتشر می‌شود و براساس بیانیه‌ای که از طرف این انتشـارات منتشر شده است، «خاطرات مردی اسـت که چیزی برای از دست دادن و چیزی برای پنهان‌کردن ندارد». در ادامه این بیانیه آمده است: «با این حال، رگه طلایی کتاب جوهره عشق و هدف است. عشق می‌تواند فرد را ناکام بگذارد و ممکن است افراد در جاه‌طلبی‌های‌شان شکست بخورند یا به عبارتی دیگر همان بارقه‌هایی که می‌درخشند، ممکن است کم‌نور شوند؛ اما آل پاچینو به اندازه کافی خوش‌شـانس بود که پیش از آنکه تیره و تارترین طـرز فکرها درباره پاداش‌های دنیوی این حرفه را داشـته باشـد، عمیقا عاشق آن شـود و به‌همین‌دلیل هرگز از عشق دور نشد. دلیل متفاوت‌بودن او نیز همین است». این کتاب خاطرات که روند نگارش آن سال‌ها زمان برده است، روایاتی از دوران کودکی این بازیگر ۸۳ساله در نیویورک، تربیت او از سـوی والدینش، دوستی او با گروهی از جوانان در برانکس جنوبی و دورانی را که در دبیرستان افسانه‌ای هنرهای نمایشی نیویورک سپری کرد، در بر خواهد گرفت. در این کتاب همچنین به فعالیت‌های «آل پاچینو» در صحنه تئاتر پیشـرو نیویورک پیش از موفقیت‌های بزرگ فیلم‌های سـینمایی او پرداخته می‌شود. با اینکه این کتاب، نخستین کتاب خاطرات «آل پاچینو» محسوب می‌شود؛ اما نخستین کتابی نیست که از سوی او منتشر می‌شود. این هنرپیشه در سال ۲۰۰۶ در نگارش کتاب «آل پاچینو: در باب مکالمه با لورانس گروبل» همکاری کرد.

اولین فستیوال هنرهای مفهومی «گالری شار» در لابراتوار انجمن مجسمه‌سازان

طبقه سوم با آسانسور

شـرق: گالری هنری-پژوهشی شار نخستین فستیوال هنر مفهومی خود را با عنوان طبقه ۳ با آسانسور برگزار کرد. مروری بر فعالیت‌های شارگالری نشان می‌دهد این فستیوال نیز در راستای فعالیت‌های پروژه‌محور این گالری در آبان‌ماه فراخوان خود را اعلام کرده اسـت. از گزارش‌های دبیرخانه می‌توان فهمید در طی دو ماه، بیش از ۳۰۰ اثر از ۲۰۲ هنرمند سراسر کشـور به شارگالری ارسال شده و شورای انتخاب آثار، داود آجرلو، صالح موسوی‌خلخالی، احسان شعردوست و بابک امجد، ۳۴ اثر را برای نمایش و داوری در مکان لابراتوار انجمن مجسمه‌سازان ایران برگزیده‌اند. از ازدحام جمعیت در روز آخر (سـوم اسفند) می‌توان فهمید روزهای برگزاری ط ۳ روزهای شـلوغی بوده است. اختتامیه با خوشـامدگویی احسان شعردوست، مدیر شـارگالری و فستیوال آغاز می‌شود، پیام صوتی صالح موسوی‌خلخالی، مدیر پژوهشی شارگالری و دبیر علمی فستیوال پخش می‌شود و پس از شنیدن پیام‌ها و صحبت‌های فریده شاهسوارانی، زروان روحبخشان و امین شاهد به‌عنوان اعضای هیئت داوران، داود آجرلو، مدیر هنری شارگالری و دبیر فستیوال، روایت خود را از شارگالری و فستیوال بازگو می‌کند. بیانیه هیئت داوران را از امین شاهد رئیس هیئت داوران می‌شنویم و در پایان لیلا طیبی‌فرد، مشاور رسانه‌ای شارگالری و مدیر آرت فسـتیوال، برندگان را برای دریافت جایزه فرامی‌خواند. شارگالری ضمن قدردانی از یکایک آثار راه‌یافته و اهدای گواهی شـرکت در فستیوال ط ۳ به آنها، سه جایزه نقدی و سه لوح تقدیر به برگزیدگان داوری اهدا می‌کند. اعضای اصلی شارگالری، احسان شعردوست، صالح موسـوی‌خلخالی و داود آجرلو، تمام ابعاد و جوانب فستیوال از طراحی و اجرا تا رخدادهای پژوهشی آینده فستیوال را در کنار هم رقم زده‌اند و بعد از مراسـم برای گفت‌وگوی کوتاهی سراغ آنها، رئیس هیئت داوران و تعدادی از هنرمندان می‌رویم.

◆ برگزاری این فسـتیوال از ابتدا با چه انگیزه‌ها و اهدافی دنبال شد؟

احسان شعردوست (نویسنده و تهیه‌کننده هنر): شار یک گالری هنری-پژوهشـی اسـت که هدف آن به‌کارگیـری ظرفیت‌های هنر برای گفت‌وگو و تولید پژوهش درباره هنر و اندیشـه است. در همین راسـتا جایگاه «مفهوم» در هنر هـم به‌عنوان یکی از پرسـش‌های پژوهشی اصلی در شـارگالری مطرح بوده و «هنر مفهومی» با اهداف اولیه گالری قرابت دارد. هدف ما از «فستیوال شارگالری» علاوه بر بررسی ویژگی‌های هنر مفهومی حال حاضر در ایران، پژوهشـی جامع درباره آن اسـت. مفهوم‌سـازی نزد هنرمند معاصر ایرانی، ضرورت‌های هنر مفهومی در ایران، نقش هنـر مفهومی در بین دیگر هنرها و سـرفصل‌های دیگری از این دست، شـارگالری را برای برگزاری این فستیوال مجاب کرد تا آن را در میانه بحران‌های فرهنگی حاضر، امری ضروری و پاسـخی به یک نیاز بداند.

◆ با توجه به میزان استقبال از فستیوال، در میان هنرمندان و مخاطبان، ظرفیت هنر مفهومی در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

داود آجرلو (نویسنده هنر و فلسفه): ما از دهه ۱۳۴۰ با هر کیفیتی نمایش هنر مفهومی داشـته‌ایم. این واقعیت حتی اگر در شکل بدبینانه بازتولید تقلیدی و بی‌پشتوانه از هنر معاصر غرب باشد؛ اما حالا حدود شش دهه است که هنر مفهومی در گوشه و کنار ایران زندگی می‌کند. جسـارت و روزآمدی هنرمندان امروز، تمام ایـن تجربه‌ها و دیگر تجربه‌های هنر ویژوال معاصر را پشـتوانه خود کـرده و ظرفیتی فراتـر از حد تصور در این حوزه سـاخته است. ما که در فستیوال ط ۳ با آسانسور به دلیل محدودیت‌های مختلف فقـط در قالب یک جمع تجربه‌گرا تنها بخش اندکی از این ظرفیت را توانستیم پوشش بدهیم، از ۱۲ استان کشور هنرمند داشـتیم؛ بماند که بخش اعظمی از هنرمنـدان مفهومی ایران در خارج از ایران کار می‌کنند، بخشـی در ایران هستند؛ اما به هر دلیل در این فستیوال شرکت نکردند و بسیاری دیگر که حالا بعد از پایان فسـتیوال تازه در حال همراه‌شدن با ما هستند. زبان هنر مفهومی از قضا متناسب‌ترین زبان‌های هنری امروز برای انسان ایرانی است.

◆ نحوه استفاده از آثار در اهداف پژوهشی شارگالری چگونه اسـت و کار علمی فسـتیوال روی هنر مفهومـی ایران چه ویژگی‌هایی خواهد داشت؟

صالح موسوی‌خلخالی (نویسـنده و پژوهشگر فلسفه): برگزاری این جایزه، نخسـتین گام از فسـتیوال هنر مفهومـی ط ۳ بود. گام‌های بعد، معطوف به پژوهش درباره چیستی هنر مفهومی و تناسب آن با شـرایط هنر ایران خواهد بود. باید اذعان کرد که نظر به تطابق هنر مفهومی با اهداف گالری هنری و پژوهشـی، این مرحله از فستیوال اهمیت اساسی دارد. برای رسیدن به این هدف، گفت‌وگو با پژوهشـگران و صاحب‌نظـران هنر مفهومی در ایـران و خارج مورد توجه اسـت و در پادکسـت «آرتی‌فیل» شارگالری، شماره‌های ویژه‌ای به این موضوع اختصاص خواهیم داد. طراحی ما به نحوی اسـت که در آینده نزدیک، به چاپ یک کتاب جامع درباره درک‌ها و تعریف‌ها از هنر مفهومی و همچنین تبیین جایگاه هنر مفهومی در ایران دست پیدا کنیم.

◆ گروه داوران بر چه اساسـی انتخاب شدند و چه معیارهایی برای داوری این فستیوال در بین داوران طرح شد؟

امین شاهد (نویسنده و هنرمند تجسمی، سردبیر فصلنامه نهیب): می‌دانیم که قضاوت، مسئولیت پرخطری است؛ چراکه می‌تواند برای یکی آینده‌سـاز باشـد و برعکس، مسـیرِ فکری و حرفه‌ای دیگری را تغییر دهد. در هنر و فعالیت‌های فرهنگی این مسئله حساس‌تر هم می‌شود. برای انتخاب داوران با توجه به شناخت و ارتباط شـخصی و تنگاتنگ من با هنرمندان و فضای هنرهای تجسـمی در ایران در ۳۰ سـال گذشـته و اینکه اولین دوره این فستیوال برگزار می‌شد، از کسانی دعوت کردم که با تجربه بسیار در این حـوزه با نگاهی فراگیر بر هنرهای تجسـمی و مفهومی احاطه داشـته باشـند و همچنین با اهـداف برگزارکنندگان نیز همسو باشـند. ازاین‌رو خانم فریده شاهسـوارانی و آقای زروان روحبخشـان را دعوت کردیم که خوشبختانه پذیرفتند. هر دو از هنرمندان جریان‌سـاز هنرهای مفهومی در ایران و از مدرسان و پژوهشگران هنر هستند؛ ولی از دو نسل و دیدگاه و نظر متفاوت، تا بتوانیم جامع‌تر به آثار متنوع بپردازیم و آنها را با نگاهی تحلیلی براساس تعاریف و معیارهای هنرهای مفهومی و شرایط موجود انتخاب کنیم. خوشـبختانه تنوع و قدرت بسیاری از آثاری که به مرحله داوری رسـیده بودند، به گونـه‌ای بود که کار را برای تیم داوری دشـوار کرد و این دشـواری برای ما خوشحال‌کننده بود؛ چراکـه برگزاری چنین رویدادهایی در این روزها بسـیار مغتنم و ستودنی است.

◆ تجربه فسـتیوال ط ۳ برای شـما به‌عنوان هنرمند، از نظر کیفیت و استقبال و شرکت‌کننده‌ها، چگونه بود؟

سـارا اصغرزاده (مجسمه‌ساز و هنرمند چندرسـانه‌ای): اولین واکنشـم به واژه «شار» در شـارگالری به معنای سیال، یادآوری جنبش فلوکسـوس در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی به‌عنوان یک جنبش مفهومی چندرسـانه‌ای بود. با این ذهنیت ترغیب شدم تا در این فسـتیوال شـرکت کنم. از اولیـن بی‌ینال هنر مفهومی تهران که انفجاری از ایده‌ها و مفاهیم و رسانه‌های مختلف بود، حدود ۲۵ سال است که با طراحی و اجرا در رسانه‌های مختلف پرفورمنس آرت، اینستالیشـن و ویدئو آرت خـودم را به چالش می‌کشـم. به نظرم انتخاب، اجرا و نمایش آثار با تمام امکانات و محدودیت‌ها به بهترین شـکل ممکن انجام شـده و مشتاقم بخـش نظـری و تحلیلی این فسـتیوال را هم کـه می‌تواند به شناخت هنرمند و جامعه از جریان‌های فعال هنر معاصر ایران منجر شود، ببینم.

به‌عنوان هنرمند، اولین واکنش من قدردانی از افرادی اسـت که زمینه مناسـب برای نمایش ایده‌هایم فراهم کردند؛ هرچند کاسـتی‌های فنی هم در برگزاری فسـتیوال رخ داد که ناشی از محدودیت‌های فضا بود. در طـول نمایش برای من جذاب بود که بسـیاری با مفهوم آثار ارتباط برقـرار کردند و به آنها نزدیک شـدند. هنر مفهومی با حذف اهمیت همه مؤلفه‌ها و پرداختن به مفهوم، شـاید بهترین گزینه برای ارتباط با جامعه‌ای باشـد کـه در حال پوسـت‌انداختن و بازتعریف خود اسـت. امیدوارم این فسـتیوال در سـال‌های بعد هم ادامه یابد و بر شـکل‌گیری جریان‌های معاصر در هنرمان تأثیر بگذارد.

لیلا فرخی (طراح و هنرمند چندرسـانه‌ای): اول اینکه مفهوم برای هنرمند کانسپچوالیسـت، تا به اجرا درنیاید، متولد نشـده و عقیم اسـت. به‌عنوان یک کانسپچوال آرتیسـت از این مجال اسـتقبال کردم و از اینکه اثرم انتخاب شـد، مفتخرم. دوم اینکه بدیهی است که اجرای اثر مفهومی به عوامل گوناگونی وابسته اسـت، از این منظر برخی از آثار اجـرای حرفه‌ای و تعدادی هم اجرای ابتدایی و بداهه داشـتند. سوم اینکه نقطه قوت برگزاری اولین نمایشـگاه مفهومی شارگالری در اراده برگزارکنندگان بود، دورادور احسـاس می‌شـد که تیم برگزارکننده بـا وجود تبحر و تجربه با چالش‌های برگزاری نمایشـگاه مفهومی در جدال‌اند؛ اما اراده آنها بـه هر نحو بر معضلات و چالش‌ها فائق آمد؛ این سـماجت آگاهانه و متعهدانه، کاستی‌های نمایشگاه را کم‌رنگ می‌کند. چهارم اینکه بشـخصه به‌عنوان هنرمندی که عمر خود را در هنر زیسـته‌ام، توقع داشـتم داوری با توجه به وسواس در انتخاب آثـار راه‌یافته در سـاحت نقد آگاهانه‌تر ظاهر می‌شـد و در نهایـت پنجم اینکه اسـتقبال از نمایشـگاه برانگیزاننده و امیدوارکننده بود.

مینا بهکار (هنرمند چندرسـانه‌ای): نخسـتین فسـتیوال هنر مفهومی شارگالری، فرصتی برای شناخت نسبی از هنر مفهومی ایران ایجاد کرد. در زمینه و زمانه‌ای که همه چیز محصور معنای خود است، هنرمند در جست‌وجوی چیست؟ آیا جز این است که باید معنا را از ظرف خود جدا کرد و در زمین گذاشت و در زمانی که زمان باشـد، دید و بویید و شنید و چشـید تا مفهوم را یافت. معنا هسـت و مفهوم خلق می‌شـود. ط ۳ با آسانسور، با اولین رویداد هنر مفهومی خودش زمینه را در بهترین زمانش ساخت تا هنرمندان را به جسـت‌وجو وادارد. مـا هنرمندها هم دویدیم و دیدیم و سـاختیم و روبه‌روی خود و آنها نهادیم و شـد آنچه باید می‌شـد. مفهومی که ابتدا خودِ شارگالری طرح کرد. بیش باد چنین بودن‌هایی!

ارکستر ملی ایران با «بهار دلنشین» به استقبال سال ۱۴۰۳ رفت

ایرنا: کنسـرت ارکسـتر موسـیقی ملی ایران به رهبـری مازیار ظهیرالدینـی با اجرای قطعاتـی همچون «وصـال» اثر مهران روحانی بر مبنای ترانه «بهار دلنشـین» استاد روح‌الله خالقی در آستانه سال ۱۴۰۳ در تالار وحدت به روی صحنه رفت.

کنسرت ارکستر موسـیقی ملی ایران شـامگاه پنجشنبه، ۲۴ اسـفند، به رهبری مازیـار ظهیرالدینی به‌عنـوان رهبر میهمان بـا اجرای قطعه‌هـای «نوسـتالژی‌ها» اثـر مهـران روحانی و «دیورتیمِنتو» اثر احمد پژمان در تالار وحدت به روی صحنه رفت.

ظهیرالدینی موسـیقی‌دان، از نوازندگان پیش‌کسـوت ویولن و کنسرت‌مایسـتر ارکسـتر ملی ایران اسـت که آخرین کنسرت این ارکسـتر را در سـال ۱۴۰۲ رهبری کرد. ارکستر در ابتدا، قطعه «نوستالژیا» (دلتنگی‌ها) اثر مهران روحانی را اجرا کرد؛ این قطعه شـامل دو قسـمت «عشـق» بر مبنای ترانه «الهه‌ناز» اثر استاد علی‌اکبر محسـنی و «وصال» بر مبنای ترانه «بهار دلنشـین» اثر استاد روح‌الله خالقی بود.

ترکیب نوازندگان ارکسـتر ملی ایران در اجـرا کمتر از اجرای معمول این ارکستر و ۳۳ نفر بود و تنها نوازندگان سازهای زهی، ویولن، ویولا، ویولنسـل و کنترباس در این اجرا حضور داشـتند و اجرای ارکستر در هر بخش با تحسین مخاطبان همراه بود.

در بخش دوم کنسرت ارکستر موسیقی ملی ایران، سه بخش از آلبوم «دیورتیمِنتو»، «سـوران»، «شوش» و «خوارزم» اثر احمد پژمان اجرا شد.

بعد از پایان رپرتوار، «بهار دلنشـین» به‌عنوان قطعه بیز اجرا شد. ارکستر موسیقی ملی ایران سال ۱۳۷۷ به همت استاد فرهاد فخرالدینی، با هدف اجرای آثار ارزشمند موسیقی ارکسترال ایرانی تشکیل شد. این ارکستر با ترکیب متناسبی از سازهای ایرانی شامل سنتور، قانون، گروه نوازندگان تار و تارباس، عود و سازهای ضربی در کنار سازهای یک ارکستر سمفونیک بنا نهاده شده است. بیش از ۲۷۰ قطعه موسـیقی در گنجینه ارکستر ملی وجود دارد. این ارکستر زیرمجموعه بنیاد فرهنگی-هنری رودکی است و اکنون با رهبری دائم همایون رحیمیان فعالیت می‌کند.

نخستین کنسرت ارکستر ملی ایران در سال ۱۴۰۲ به مناسبت روز جهانـی هلال‌احمـر با رهبـری همایون رحیمیان با شـعار «صلح و بشردوسـتی» ۱۷ اردیبهشـت برگزار شد. این ارکستر به رهبـری آرش امینی به‌عنـوان رهبر میهمان و اجـرای آثاری از بزرگان موسـیقی ایران همچون مرتضـی حنانه، جواد معروفی، حسـن کسـایی، فرهاد فخرالدینی و بهزاد عبـدی و رونمایی از قطعه «کنسرتو برای ویلن و ارکستر» آخرین ساخته استاد فرهاد فخرالدینی یکم تیرماه به روی صحنه رفت.

اجرای مشترک ارکستر ملی ایران و ارکستر ملی جوانان روسیه به رهبری آرش امینی و خوانندگی امیرحسـین سمیعی در هفته فرهنگی ایران در روسـیه در تیرماه امسال، اجرای پوئم سمفونی «وداع» به رهبری همایون رحیمیان، خوانندگی سیدحسام‌الدین سراج و روایت سـاعد باقری شاعر و پژوهشـگر پیش‌کسوت به مناسبت اربعین حسینی در شهریور امسال از دیگر برنامه‌های این ارکستر است. نخستین کنسرت پاییز ارکستر ملی ایران ۲۰ مهرماه با عنوان «پاییزان» به رهبری رحیمیان با اجرای قطعه‌هایی ماندگار از آهنگ‌سـازان فقید به روی صحنه رفت. این ارکسـتر ۱۳ آبان بـا عنوان «فصل با باران ما» به رهبـری رحیمیان و تک‌نوازی تار مسـیح تحویلداری به روی صحنه رفت و آذر و دی‌ماه امسال به رهبری اسـتاد مجید انتظامی، منتخبی از آثار این آهنگ‌ساز را با عنوان «همراه با خاطره‌ها» اجرا کرد.

کنسـرت آیینی ارکسـتر موسـیقی ملی ایران با اجرای پوئم سـمفونی «بانوی آب و آینه» هم‌زمان با سـالروز وفات حضرت ام‌البنین(س) به رهبری همایون رحیمیان و خوانندگی امیرحسین سـمیعی و با اجرای آثاری از آهنگ‌سـازان پیش‌کسـوت ششم دی‌ماه برگزار شـد. این ارکسـتر به رهبری همایـون رحیمیان و خوانندگـی محمد معتمدی و با همراهی گـروه کُر بنیاد رودکی به رهبری رازمیک اوحانیان در سی‌ونهمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر به روی صحنه رفت.

اخبار برگزیده

ژولیت بینوش ریاست آکادمی فیلم اروپا را بر عهده می‌گیرد

مهـر: ژولیت بینـوش رئیـس آکادمی فیلم اروپا می‌شود. این سمت افتخاری اولین بار در اختیـار اینگمار برگمان بود کـه به‌عنوان اولین رئیـس آکادمی و از سوی ۴۰ عضو مؤسس آکادمی در سال ۱۹۸۹ انتخاب شد. ویم وندرس که سال ۱۹۹۶ جانشین برگمان شد، تا سال ۲۰۲۰ خدمت کـرد و در نهایـت هالند عنوان اولیـن رئیس زن آکادمـی را از آن خود کـرد. وی اکنون تصمیم بـه کناره‌گیری گرفته است.

مایک داونـی، رئیـس هیئت‌مدیره آکادمـی، در بیانیـه‌ای اعـلام کـرد بـه خواسـت آگنیشـکا هالنـد احترام می‌گذارنـد و درک می‌کنند که داشـتن مسـئولیت‌هایی در کنـار فیلم‌سـازی، هرچند الهام‌بخش و مهم، گاه می‌تواند مانع خلق هنر شود.

در این بیانیه از سـوی آکادمی فیلم اروپا، از هالند برای حمایت فوق‌العاده، قدرت و دید قـوی‌اش در تمام وظایفی که در سـاختار آکادمی انجام داد، تشکر شده است.

جدیدترین فیلم هالند با عنوان «مرز سـبز» که درباره مهاجرت است، برنده جایزه ویژه هیئت داوران ونیز شد. وی در حال آماده‌شدن برای شروع فیلم‌برداری فیلم بیوگرافی از زندگی کافکا، نویسنده مشـهور، بـا عنـوان «فرانتـس» بـه تهیه‌کنندگی مایک داونی است.

ژولیـت بینـوش که سـال‌ها عضو فعال آکادمـی فیلم اروپا بوده اسـت، پس از تأیید رسـمی نامـزدی‌اش برای ریاست توسـط اکثریت اعضای آکادمی، این سـمت را از اول ماه مـی بر عهده می‌گیـرد. وی بـا جدیدتریـن فیلمش با عنـوان «طعم چیزها» در جشـنواره کـن در بخش رقابتی حضور داشـت و فیلـم جایزه بهتریـن کارگردانی را برای تران آن هونگ دریافت کـرد. این فیلم نماینده فرانسه در اسکار بود. این بازیگر در سـریال کوتاه «نگاه جدید» برای اپل تـی‌وی پلاس در نقش کوکو شـانل در کنار بن مندلسون بازی کرده است.

آخرین وضعیت رضا داودنژاد در بیمارستان

رضا داودنژاد، بازیگر، بیش از سه ماه اسـت که درگیر عفونت خونی شـده و فعلا در بیمارستان بوعلی سینای شیراز بستری است.

علیرضا داودنژاد، کارگردان سـینما، درباره آخرین وضعیت پسـرش به ایسنا گفت: رضا مدتی در بیمارسـتان مسیح دانشـوری تهران بسـتری بود، اما طی دو هفته گذشـته به دلیـل اینکه تحت مراقبت پزشـکان خودش (که پیش از این در شیراز عمل پیوند کبد او را انجام داده بودند) باشد، به شیراز منتقل شد و بستری شده است.

او ادامه داد: در بیمارستان تحت نظر پزشکان اسـت و این پزشکان با جدیت مشغول مداوا و مراقبت هستند.

داودنـژاد در پایـان گفـت: زمـان ترخیـص تا بهبـودی کامل مشـخص می‌شـود، فعلا باید در عید نوروز هم در بیمارستان تحت مراقبت باشد.

او همچنین در پایان از پرسنل بخش آی‌سـی‌یو بیمارسـتان که با جدیت در حال مراقبت و درمان هستند، تشکر کرد.